

در راه مبارزه مرگ و زندگی

از قدیم گفته اند هر ملتی مستحق همان نحو حکومتی است که
بر او حکومت میکند زیرا حکومت‌ها زائیده افکار و اعمال مردم است
درست است فلاسفه روز از جبر تاریخ بحثها کرده و اخیراً این حرف در زبانها
افتاده و در سخنرانیه‌ها و مقالات، زیاد روی آن تکیه میشود ولی نباید چنین
تصور کرد که تاریخ مثل یک شخص زورگو و قلندر یا یک زمامدار مستبد
و دیکتاتور بالای سر انسان و ملت‌ها ایستاده و هر چه را بر سر راهش باشد
بافشار و ستم محو و نابود میکند و افراد و ملت‌ها در مقابل آن هیچ قدرت و
اراده ندارند بلکه بدون شبهه حوادث و تحولات تاریخ چیزی جز عکس-
العمل افعال و نتیجه آراء و طرز تفکر و رشد اقوام نبوده و نیست. هر چه رشد
اجتماعی و فردی در میان جامعه‌ای قوی‌تر و بآینده امیدوارتر باشد سیر
تاریخ برایش بهتر و نسبت بایده و آرزوی انسان مناسب و سازگارتر است.
تاریخ و تجربه هر دو نشان داده‌اند که ملت‌های عاقل و شایسته که
فراست و سیاست بهتری داشته و بآینده امیدوارتر بوده‌اند بهتر از دیگران
از نعمت‌های این جهان استفاده کرده و بتمام مصادیق زندگی و حیاة دست
یافته‌اند چنانچه ثابت شده که ملت‌های بی لیاقت و مأیوس همیشه دستخوش
تحولات و مصائب و آفات جهان بوده و در حاشیه و کنار مردمان مرفقی
وزنده بایک زندگی بدتر از مرگ پیوسته مورد هجوم و قهر و غلبه زورگوها

و خود سرها بوده با جمیع اقسام بلا یا و بدبختی ها پنجه نرم میکنند.

یأس دیو بدبختی و امید فرشته سر بلندی است

گاهی اتفاق افتاده که در قوم و ملتی نه تنها جبر تاریخ نتوانسته است کوچک ترین اثری داشته باشد بلکه چه بسا بزرگانی از انبیاء و حکماء و مر بیان بشر توانسته اند بتهنای و با اعمال یک دستور و گفتن یک جمله سیر تاریخ را از مجرای خود تغییر داده ملتی را در دنیا آقا و متنعم سازد. کافی است برای نمونه بر روایات و تعالیم راقیه که پیشوایان محترم اسلام در امور اجتماعی بملت خود داده اند مراجعه کنیم و از آن میان بمناسبت همزمان بودن کتابت این مقاله با روز تولد حضرت بقیة الله امام زمان ارواحنا فداه روایت معروفه افضل الاعمال انتظار الفرج (۱) را انتخاب میکنیم آری امام علیؑ در این روایت بزرگترین و باارزشترین قدرتی را که برای نیل جامعه به هدف اصلی - که یک زندگی بتمام معنی است - لازم بوده در لفافه یک تعلیم ساده مذهبی درم - مردم زنده کرده و ملت مسلم - انرا با ایجاد حس امیدواری و کنار - گذاشتن حالت یأس و نومیدی در ردیف قوی ترین مجاهدان راه آزادی و ترقی در آورده است.

آنچه را که سرگذشت رفتگان و قصص و تواریخ از مبارزات اقوام و ملت ها در جمیع ادوار ضبط کرده است بخوبی نشان میدهد که تا وقتی دشمن قهار یأس و نومیدی در ملت پیدا و نمایان و چهره تابناک امید محو و نابود نشود مرگ و نابودی در آن قوم مفهوم و مصداقی پیدا نخواهد کرد. ملت زنده همان ملت امیدوار است که تا رسیدن به هدف و در آغوش گرفتن فرشته اقبال و خوش بختی از پای نخواهد نشست. هیچ قومی قبل از آنکه

روحیه خود را ببازد و هیچ شجاع و دلآوری پیش از آنکه از فتح و غلبه مایوس شود محو و نابود نشده گرازاً مشاهده کرده و بالعیان دیده ایم که مایوس کردن مریض از معالجه و اطلاع او از امراض حتمی الخطر اثر عجیبی در زوال و مرگ او داشته است چنانکه با ایجاد روح امید بیماران زیادی نیز معالجه شده اند راستی چه دستور پر قیمت و باارزشی است

ملتی که امیدوار است روزی دستی از آستین قدرت غیبی بیرون آمده و در مقابل تمام ستم گران و زور گویان باشه شیر تو انایش از ظالم دادخواهی میکند، ملتی که آرزو دارد روزی برسد که يك مریبی الهی لذت اموال فقرا و بیچارگان را از حلقوم اغنیاء و ثروتمندان بی بند و بار با پنجه قدرت بیرون کشد، ملتی که معتقد است در آینده درخشانی يك محکمه سر تا پا عدالت و استقلال بجای محاکم بی اصل و بی شخصیت برای گرفتن حق محروم از متمتع و مظلوم از ظالم تشکیل خواهد شد و بالاخره ملتی که امیدوار است روزی ابرهای سیاه ظلم و ستم و فقر و مصائب و انواع بدبختی کنار رفته و خورشید با عظمت مظاهر عدل و انصاف و آزادی و خوشبختی در جهان طالع میگردد، این ملت در مقابل شدائد و ظلمها و گرسنگیها برانو در نخواهد آمد و در نتیجه بمقصود خود که يك زندگی سر تا پا لذت و نعمت است نائل خواهد شد.

چنانیکه کاران استعمارگر چه کرده اند ؟

آنانیکه همیشه در خواب و بیداری برای این ملت نقشه هامیکشند خیلی زودتر از ماسلمانان بارزش این دستور عجیب اسلامی پی بردند آنها خوب تشخیص داده بودند که وجود این روح امید تاچه اندازه در استقامت افراد مسلمان در راه مبارزه زندگی که شرط اول آن مبارزه با

استعمار و استعمارگران است مؤثر و مفید است آنها میدانستند که تنها ایجاد مواضع فحشاء و عادت دادن مردم ببعیاشی و خوش گذرانی و سایر وسائل بی-بندوباری اگر چه در لطمه زدن بسائرسنن و آداب اسلامی نقش مؤثری زایفا نمیکند ولی برای ازدست دادن روح امید و ایجاد یأس کافی نبوده بلکه بایستی گردانندگان صحنه داستان امثال باب و بهاء را به میدان آورد و به مردم ساده لوح و زود باور چنین فهماند که زمان آن امید تمام شد و آن مسعود منتظر از پس پرده غیبت ظاهر گشت اما خوشبختانه دست قدرت آفریدگار نگذاشت این نقشه آنطور که خواستند پیاده شود و جز در یک عده دهاتی و مردم بی اطلاع اثری نکرد و تمام طرحهای شیطانی با قلم خود بهائیان بر اوراق کتابها نوشته شد، و حقیقت امر و نقشه را روشن کرد. و ما امید داریم بتوانیم در یک سلسله مقالات مرتب که همه متکی بمطالب و نوشتههای خود آنهاست در بقاء این روحیه امید در ملت مسلمان و رسوا کردن نقشه های استعمار خدمتی بمقام مقدس ولی عصر ارواح العالمین له الفدا کرده باشیم و از همان عمومی - خاصه گروهی که ندانسته و چشم بسته تسلیم این دسته سیاسی شده اند - بیدار گشته و بشاگرد هدایت باز گردند.

دو اعتراف متناقض از سید علی محمد باب

سید علی محمد باب که اول بازیگر این صحنه است در اوائل امر رسماً خود را باب امام زمان معرفی کرد، زیرا میدانست که اگر از اول بخواهد ادعا کند که من همان امام زمان موعودم با اینکه همه میدانستند که او پسر میرزا رضای شیرازی است و تولدش در اول محرم ۱۲۳۵ هجری قمری است (۱) کسی از او قبول نخواهد کرد، این جمله ایست که اشراق

(۱) صفحه ۹ و ۱۵ تلخیص تاریخ نبیل زرنندی بقلم اشراق خاوری

خاوری در تلخیص تاریخ نبیل نقل میکند: «از جمله او امری که در رسائل خصال سبعة (که قدوس «ملا محمد علی بار فروش» بمقدس: «ملا صادق خراسانی» داد) نوشته بود این بود که بر اهل ایمان واجب است در اذان نماز جمعه اضافه کنند «اشهد ان علیاً قبل نبیل «محمد» باب بقية الله» (۱). یعنی شهادت میدهم که علی محمد باب بقية الله است. و هکذا خود باب در کتاب صحیفه عدلیه از امام زمان صریحاً نام می برد و خودش را عبد امام زمان معرفی میکند. ایشان برای اصول معرفت هفت رتبه قائل است و در رتبه چهارم چنین میگوید:

۴ - معرفت امامت و در این مقام بر کل موجودات فرض است معرفت دوازده نفس مقدس که قائم مقام ولایت مطلقه بوده باشند و مراتبی که در معرفت معانی مذکور شد بما هو هو در این رتبه فرض است و اسماء مقدسه این ذوات که مرایای بیان است این است (نام مبارك امیر المؤمنین را در رتبه سوم نقل کرده) الحسن بن علی و الحسین بن علی و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم محمد بن الحسن صاحب الزمان و الفاطمة الصديقة حملوات اللد علیهم اجمعین بعد از آنکه مدتی توصیف از ائمه اطهار میکند میگوید و اعتقاد بر جعت ایشان رکن اعتقاد بایشان است و آیه «وما یشاؤون الا ان یشاء الله» در حق ایشان صادق است و امروز به اراده بقية الله امام عصر (ع) است وجود کل ما وقع علیه

(۱) ص ۱۲۷ و ۱۵۹ تلخیص تاریخ نبیل زرنندی بقلم اشراق خاوری نبیل بحساب ابجد مساوی با ۹۲ است که محمد است و این از ابتکارات سید علی محمد است لذا در نوشته‌ها پیش دیده میشود که نوشته (هنذا کتاب من علی قبل نبیل)

اسم الشیء و اعتقاد بغیبت آن هم مثل اعتقاد بر جعت است (۱)

در باب خامس میگوید «اشهد ان قائمهم صلواتك علیه حجتك امامی الحق- الی ان قال- فانصر اللهم من اراده واخذل اللهم من لا يعرف حقه وینکره عبده (مقصود خود با بست که در اینجا از خودش بعد قائم تعبیر کرده) باز در آخر دعا میگوید «اشهد ان الیوم طاعة عبد حجتك الذی اکرمة بآیاتك الخ» (که باز از خودش عبد حجة الله تعبیر میکند باز در صفحه بعد میگوید «اشهد ان علیاً کان عبد بقیة الله» (که باز عبد بقیة الله از خودش تعبیر کرده است) (۲)

همین شخص در عین حال که ملاحظه میفرمائید صریحاً هم در کتابی که بتعبیر خودش «لاجل اعتقاد کل و اعتقاد اولی الالباب» نوشته و هم در آنچه مورخین بهائی از او نقل میکنند خود را باب و عبد امام زمان در اول معرفت می کند و صریحاً و بنام . نام مبارک حضرت امام عصر را می برد و جزء اعتقادات می شمارد معذک در او آخر کار که دوره خدمتگذاری با صدور فتوای قتل او از طرف علماء تبریز در شرف تمام شدن بود بدستور از بابان خود صریحاً جمالاتی متناقض حر فهای گذشته بیان کرده رنگ تازه ای بخود گرفت یعنی پس از وصول به تبریز باعتراف مورخین بهائی حضرت باب جناب عظیم «ملا شیخ علی» را احضار فرمودند و علمائدر نزد او اظهار

(۱) کتاب صحیفه عدلیه چاپی ابواب اصول معرفت از ص ۲۰ تا ص ۲۸ رتبه

۴ معرفت امامت .

(۲) کتاب صحیفه عدلیه چاپی باب ۵ فی دعاء الاخلاص لله عز وجل صفحه

۴۱ و ۴۲ .

خود سید علی محمد در این کتاب تصریح میکند که انشاء این کتاب لاجل اعتقاد اولی الالبابست و ایضاً میگوید کلماتی ربانی لاجل اعتقاد کل، ذکر و بیان میشود تا کل بمقام لقاء محبوب لایق شوند صفحه ۱۹۴ صحیفه عدلیه چاپی

قائمیت نمودند عظیم چون این ادعارا شنید در قبول متردد شد حضرت باب باو فرمودند من فردا در محضر ولیعهد و در حضور علماء و اعیان ادعای خود را اظهار میکنم (۱) و پس از داخل شدن در مجلس ولیعهد باب سه مرتبه گفت من همان قائم موعودی هستم که هزار سال است منتظر او هستید و چون اسم او را میشنوید از جای خود قیام میکنید و مشتاق لقای او هستید و «عجل الله فرجه» بر زبان میرانید بر استی میگویم بر اهل شرق و غرب اطاعت من واجب است (۲)

ملاحظه میفرمائید چگونه یکعده مردم ساده لوح را دست استعمار باوجود این تناقضات و صدها جملات ضد و نقیض دیگر که در کتابهای خود آنها موجود است بنام دین سرگرم و مشغول کرده و در پشت پرده سیاه استعمار اغراض خاصه خود را انجام میدهد .

عبدالحسین آواره صاحب تاریخ «الکواکب الدرية» که بعد از تاریخ نبیل زرنندی نوشته شده با تمام زرنگی و عوام فریبی که در این تاریخ انجام داده و انصافاً حق بزرگی بر گردن باب و بهاء پیدا کرده برای اینکه بخیسال خودش پسرده بروی این تناقضات کشیده باشد چنین مینویسد: در ابتدای طلوع عموماً از کلمه باب چنین استنباط میکردند که مراد از باب کسی است که واسطه بین آن حجت موعود و خلق است و نیز از کلمه مبشر ظهور که گاهی در حق ایشان ذکر میشد و در کلمات نقطه اولی (سیدعلی محمد) هم بسیار دیده شده گمان میرفت که مراد مبشر

(۱) صفحه ۲۰۷ تلخیص تاریخ زرنندی بقلم عبد الحمید اشراق خاوری مبلغ

معروف بها ایمان .

(۲) صفحه ۳۰۹ همان کتاب

ظهور محمد بن الحسن یا اینکه مبشر ظهور مهدی - علی اصلاح الغریقین - من السنة والشیعه - است ولی اخیراً معلوم شد که بابت و مبشریت راجع بشخص دیگر است که به «من ینظره الله» تعبیر شده و در اسلام بر جعت حسینی و رجعت مسیح معبر گشته و صاحب این مقام همان بهاء الله است ولی این مسئله پس از سالها معلوم و مفهوم گشت و در ابتداء مکتوم بود .

راستی اینان عجیب مردم ساده لوح را دست آویز اغراض شوم خود قرار داده اند! کسی نیست باین مبلغ کهنه کار بگوید آقای آواره متأسفانه سید علی محمد بکلمه باب تنها اکتفا نکرده تا شما بگوئید که مراد از باب، باب بهاء است بلکه چنانچه ملاحظه شد مصریحاً در جاهای متعدد نام مبارک امام زمان را با تمام خصوصیات برده و جائی برای این مکرو حیله شما باقی نگذاشته که بفرمائید این مسئله در ابتداء مکتوم بوده و پس از سالها معلوم و مفهوم گشت .

آقای آواره ما نمیگوئیم دین امر سیاسی نیست که مدتی يك امر اعتقادی را پنهان کنند تا پس از سالها آقای آواره بیاید و از آن راز پرده بردارد - زیرا مدارکی که خود بهائیا در کتابهایشان نقل کرده اند خیلی روشن دخالت دستهای مرموز سیاسی را برای بوجود آوردن این حزب نشان میدهد - ولی خود شما فکر کنید که آیا این توجیه بی مزه چگونه جواب تناقضی را که نقل شد میدهد؟ آیا سید علی محمد، باب میرزا حسینعلی باشد یا باب امام زمان چگونه جواب این اشکال را میدهد که چرا باب که در ابتداء امر، خود را باب امام زمان معرفی میکرده در روزهای آخر زندگی که قتل خود را حتمی الوقوع تشخیص داد، دفعه تادمعی شد که همان شخصی است که مسلمانان هزار سال است انتظار او را میکشند. در اینجا

باید گفت میرزا حسینعلی بهتر از آقای آواره تشخیص داده بود که دستور داداز نشر کتابهای باب‌جلو‌گیری شود زیرا رسوائی مطالب بی بند و باری عقائد اظهار شده در کتب باب، بعدی است که هر چه آقای آواره کتابهایش را قطورتر و توجیهات را طولانی تر کند قادر بتصحیح آن نخواهد بود.

مخاطرات و خانیاات

«اگر شما معتاد بد خانیاات هستید باید متوجه باشید آیا به عوارض زیر مبتلا شده اید :

آب اعطش فوق‌العاده در روز دارید ؟

آیا صبح و قهیکه از خواب بر میخیزید مبتلا بخلط سینه هستید و بزاق بیشتری دارید ؟

آیا از اشتها و وزن شما کم شده ؟

آیا سیگار صبح شما حالت لیمت میدهد ؟

آیا پس از غذا نفخ و باد در شکم دارید ؟

آیا احساس سوزش در معده مینمائید و آیا شبها حالت خفگی دارید و از خواب میپرید مثل اینکه قلب شما بیمار است ؟

اگر مبتلا بعوارض فوق هستید مطمئن باشید که دخانیات بدستگاه گوارش شما صدمه رسانده است .

«نقل از مجله تندروست»